موضع ایران: نه جنگ نه مذاکره

به قلم مهدی خلجی (/fa/experts/mhdy-khljy-0)

۲۱ مهٔ ۲۰۱۹

همچنین دست‌یافتنی به
(English (/policy-analysis/no-war-no-negotiation-irans-stance /
العربية (/ar/policy-analysis/ayran-wmwqf-la-hrb-wla-tfawd)

درباره نویسنده



مهدی خلجی (/fa/experts/mhdy-khljy-0)

مهدی خلجی، عضو ارشد و هموند پژوهشی خانواده لیبتسکی در انستیتو واشنگتن پژوهشگرِ تشیع، فلسفه و کارشناس سیاست ایران

تحلیل کوتاه

خامنه‌ای با حفظ رویکرد مبارزه‌جویانه خود از یک طرف و پرهیز از جنگ از طرفی دیگر احتمالا امیدوار است بتواند تا دور بعدی انتخابات در ایران و در آمریکا دوام آورد.

علی خامنه‌ای رهبر ایران چهاردهم ماه می در یک سخنرانی از تلویزیون سراسری اظهار کرد که مذاکره با آمریکا «سم» است و درعین‌حال به مخاطبان خود اطمینان داد که «نه ما دنبال جنگ هستیم نه آنها که می‌دانند به صرفه‌شان نیست.» این فرمولِ «نه جنگ نه مذاکره» بخشی از استراتژی «مقاومت دوراندیشانه» خامنه‌ای است: یعنی به مواجهه نظامی دامن نزن اما همزمان هر گونه سازش را هم رد کن. از دیدگاه او مقاومت کلید چهل سال بقای جمهوری اسلامی بوده است چون آمریکا از ابتدا تمایلی نداشته که وجود یک حکومت ایدئولوژیک اسلامی را به رسمیت بشناسد در عوض از نگاه او واشنگتن و متحدانش هر کاری توانسته‌اند کرده‌اند تا حکومت ایران را سرنگون کنند یا دست‌کم آن را به حکومتی عاری از ایدئولوژی مبارزه‌جویانه بدل کنند.

جمهوری اسلامی که رژیمی نیمه‌تمامیت‌خواه است بنا به قاعده نظامی توسعه‌طلب است و برای خیلی از محاسبات ژئوپلیتیک سنتی – که دولت-ملت‌های دیگر را به هم پیوند می‌دهد– ارزشی قائل نیست. شالوده‌های مذهبی این رژیم این خصلت‌ها را تقویت کرده و باعث شده که جمهوری اسلامی مصمم به «صدور انقلاب» و نابودی دشمنان ایدئولوژیک خود ازجمله اسرائیل باشد و رهبر خود را به سطح «رهبر مسلمانان جهان» ارتقا بخشد. اصل دکترین نظامی تهران یعنی جنگ نامتقارن نیز در خدمت همین موضع توسعه‌طلبانه است چنانکه برنامه‌های اتمی و موشکی تهران هم در همین جهت است.

با این‌حال خامنه‌ای به منافع عملی این استراتژی برای سرپا نگه‌داشتن رژیم نیز آگاه است. افزون بر آن اتخاذ سیاست مقاومت هم به رهبری کشور کمک می‌کند تا به خاطر گسترش عمق استراتژیک ایران تا مرزهای اسرائیل و سواحل مدیترانه در داخل کسب اعتبار کند و هم بر اساس باور راسخ او این سیاست باعث می‌شود وجهه ایران در کل خاورمیانه و دنیا به عنوان امیدی برای کشورها و جریان‌های ضدغربی تقویت شود. از این منظر رهاکردن سیاست مبارزه‌جویانه منطقه‌ای برای تهران تصمیمی مهلک علیه ماهیت این رژیم خواهد بود.

همزمان خامنه‌ای صادقانه اذعان می‌کند که ایران تمایلی به تشدید تنش نظامی ندارد. دلیل ناگفته این اظهارات آن است که ایران – چه ازنظر سیاسی و چه از جنبه نظامی– توان جنگ مستقیم و متعارف با هیچ کشوری را ندارد خصوصا با آمریکا و اسرائیل. این موضوع روشنگر آن است که چرا این رژیم آنقدر وابسته به جنگ نامتقارن تروریسم جنگ‌های نیابتی و دیگر تاکتیک‌هایی است که بتوان دست‌کم

حدی از قابلیت انکار را بعد از اجرای آن برای خود حفظ کرد. فکر اصلی آن است که رژیم خود را تهدیدی خطرناک نشان دهد و درعین‌حال از جنگ مستقیم و متعارف بپرهیزد.

ولی هر مقاومتی یک نقطه شکست دارد (**https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/khameneis-breaking-point-how-to-get-iran-back-to-the-negotiating-table**). اولویت اصلی رژیم این است که نظامی را که بعد از انقلاب اسلامی روی کار آمده حفظ کند و تهران نشان داده هر گاه حیات نظام به خطر افتاده حاضر به عقب‌نشینی قابل ملاحظه‌ای است. در دهه ۱۹۸۰ آیت‌الله خمینی در ابتدا از جنگ ایران و عراق استقبال می‌کرد و آن را «آغاز راه‌حل مسئله خاورمیانه» می‌دانست و بارها تاکید کرد که «تا آخر می‌ایستیم» و «بیست سال هم این جنگ طول بکشد ما ایستاده‌ایم». اما بعد از هشت سال و قربانی شدن صدها هزار نفر قطعنامه آتش‌بس سازمان ملل را پذیرفت و گفت که «برای مصلحت نظام جمهوری اسلامی» این‌کار را کرده است و این تصمیم را در تعبیری احساساتی تلخ‌تر از «نوشیدن جام زهر» توصیف کرد.

به همین شیوه جانشین او خامنه‌ای مدت‌ها مذاکره با آمریکا را خط قرمز توصیف کرده بود تا این‌که بالاخره فشار جهانی تحت رهبری آمریکا وادارش کرد وارد مذاکرات هسته‌ای با دولت اوباما شود. خامنه‌ای بعد از تسلیم‌شدن به مذاکره به «نرمش قهرمانانه»‌ای اشاره کرد که بر اساس آن اجازه داده مذاکرات صورت بگیرد. امروز هم می‌توان تَرک‌های یک نقطه شکست تازه را مشاهده کرد ولی زمانی که خامنه‌ای بفهمد تهدید نظامی آمریکا واقعی است و هزینه آن بالاتر از توان تحمل است –و از آن مهم‌تر باور کند که مواجهه نظامی قرار است همزمان با مشکلات اقتصادی کمرشکن ناشی از تحریم‌های آمریکا و عوامل دیگر رخ دهد.

این موضوع به دو عامل سیاسی بستگی دارد. اول این‌که علی‌رغم پیشنهادهای آشکار و پنهان ترامپ برای انجام مذاکره خامنه‌ای قاعدتا دوست ندارد علنا با کسی مذاکره کند که از توافق هسته‌ای خارج شده تلاش‌های دیپلماتیک ایران را تخریب کرده و همچنان ایران را تحریم می‌کند و لحن تحقیرآمیزی علیه رژیم دارد. دوم این‌که خامنه‌ای تقصیر ناکارآمدی اقتصادی و شکست‌های دیپلماتیک را به گردن حسن روحانی رئیس‌جمهور ایران انداخته و به این شکل موقعیت روحانی را بسیار ضعیف کرده است. دوره دوم ریاست‌جمهوری روحانی سال ۲۰۲۱ به پایان می‌رسد و او دیگر نمی‌تواند بار سوم در انتخابات شرکت کند و این او را بیش از پیش به سیاستمداری که دوره‌اش به پایان رسیده تبدل می‌کند. بنابراین خامنه‌ای انگیزه چندانی ندارد که مذاکره‌کننده‌های بی‌اعتبارشده‌ای مثل محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه را به دور تازه‌ای از مذاکرات بفرستد سناریوی ایده‌آل او این است که تا سال ۲۰۲۱ صبر کند یعنی وقتی که روسای جمهور هر دو کشور عوض می‌شوند.

اگر خامنه‌ای قبل از ۲۰۲۱ تصمیم به مذاکره بگیرد احتمالا باید ترکیب تیم مذاکره‌کننده را عوض کند و با انجام تغییراتی رویکرد ایران را بازآرایی کند. این تغییرات ممکن است به آن معنا باشد که مسئولیت مذاکرات از وزارت خارجه گرفته شود و به شورای عالی امنیت ملی منتقل شود و همزمان مذاکره‌کنندگان دیگری تعیین شوند که بیشتر نماینده سپاه پاسداران باشند تا نماینده رئیس‌جمهور. احتمال چنین تغییراتی وقتی بیشتر می‌شود که مذاکرات دامنه وسیع‌تری پیدا کند تا برنامه موشکی و سیاست منطقه‌ای ایران را هم در بر گیرد چون رئیس‌جمهور و وزارت خارجه هیچ‌کدام‌شان برای تصمیم‌گیری از جانب خامنه‌ای و نظامیان ارشد اختیار کافی ندارند.

توصیه‌های سیاست‌گذاری

علی‌رغم عمل‌گرایی نسبی رهبر ایران و ابراز تمایل او برای پرهیز از جنگ ایالات متحده طی هفته‌های آینده باید برای هر سناریوی محتملی آماده باشد. تهران ممکن است هنوز در حال نقشه‌ریختن برای خرابکاری و تهدید اهداف آمریکا و متحدانش در منطقه باشد و درعین‌حال سعی کند که از مسئولیت این عملیات‌ها شانه خالی کند. این رژیم معروف به آن است که دنبال ریسک‌های بزرگی می‌رود که منفعت اندکی برایش دارد شاهد آن هم حملات تروریستی ناموفق اخیر آن در اروپاست که منجر به دستگیری ماموران ایرانی مختلفی شد.

همزمان واشنگتن نباید این احتمال را هم از نظر دور بدارد که خامنه‌ای ممکن است در نتیجه فشار اقتصادی کمرشکن و انزوای بین‌المللی به‌زودی و بر خلاف میل خود با مذاکره موافقت کند. صرف اظهار تمایل آمریکا به مذاکره و «شماره تلفن دادن» کافی نیست –به جای آن دولت ترامپ باید فورا به دنبال میانجی‌های بین‌المللی‌ای باشد که بتوانند با مقامات ایرانی ارتباط برقرار کنند و بفهمند رژیم ایران در کدام موارد حاضر است با گرفتن امتیازات واقع‌گرایانه از آمریکا وارد معامله شود. بدون داشتن کانال‌های ارتباطی معتبر چشم‌انداز جنگ نزدیک‌تر و چشم‌انداز توافق دورتر می‌شود.

سرانجام این‌که اگر دولت ترامپ مذاکره را به مواجهه نظامی ترجیح می‌دهد باید لحن خصمانه و تحقیرآمیز خود را به لحنی محترمانه‌تر و دیپلماتیک‌تر تغییر دهد. تنها روایتی که احتمال مذاکره را تقویت می‌کند روایتی است که خامنه‌ای بر اساس آن بتواند تغییر اساسی در موضع خود را نه شکستی شرم‌آور برای رژیم بلکه سازشی خردمندانه برای منافع کشورش نشان دهد. در غیر این صورت او انگیزه‌ای

نخواهد داشت که رویکرد «مقاومت» را کنار بگذارد

❖ *مهدی خلجی هموند پژوهشی خانواده لیبتسکی در انستیتو واشنگتن است

RECOMMENDED



BRIEF ANALYSIS

Iran Takes Next Steps on Rocket Technology

فوریهٔ ۲۰۲۲ ۱۱

◆

Farzin Nadimi

(/policy-analysis/iran-takes-next-steps-rocket-technology)



BRIEF ANALYSIS

Saudi Arabia Adjusts Its History, Diminishing the Role of Wahhabism

فوریهٔ ۲۰۲۲ ۱۱

◆

Simon Henderson

(/policy-analysis/saudi-arabia-adjusts-its-history-diminishing-role-wahhabism)



ARTICLES & TESTIMONY

Podcast: Breaking Hezbollah's Golden Rule

فوریهٔ ۲۰۲۲ ۹

◆

Matthew Levitt

(/policy-analysis/podcast-breaking-hezbollahs-golden-rule)

TOPICS

عرب و اسلام سیاسی (/fa/policy-analysis/rb-w-aslam-syasy)

دمکراسی و اصلاح (/fa/policy-analysis/dmkrasy-w-aslah)

منع اشاعه (/fa/policy-analysis/mn-ashah)

REGIONS & COUNTRIES

ایران (/fa/policy-analysis/ayran)